

کپ

باناشر چهارمین ترجمه کتاب
تام هنکس گفت وگو کرده ایم
فکر کردم می خواهید ما
راتبلیغ کنید!

پروین صدقیان، مدیرمسئول انتشارات گل آذین است. با او تماس گرفتیم تا بدانیم با وجود خلأ اجرایی قانون کپی رایت، در حالی که انتشارات افق حق انتشار ترجمه فارسی کتاب را خریداری کرده، چرا وارد عمل شده و چهارمین ترجمه را به بازار فرستاده است؟

🗨️ **ترجمه ای که شما از مجموعه داستان های تام هنکس منتشر کرده اید، چهارمین ترجمه موجود در بازار کتاب ایران است...**

از این کتاب؟

بله

عجب! ما سویمیم یا چهارمیم؟

چهارم.

ما دو ناشر را می دانستیم، سو می رانه.

🗨️ **گزارش ما درباره این است که چرا باقی ناشران به حق ناشری که حق انتشار ترجمه را خریده احترامی نگذاشته اند؟ به لحاظ قانونی نمی توان به شما اعتراضی کرد، اما اخلاق چه؟**

ما خبر نداشتیم افق این کار را کرده.

🗨️ **افق آذرمه سه سال گذشته اعلام کرده که حق را خریداری کرده.**

شما در افق کار می کنید؟

🗨️ **نه! من که خودم را معرفی کردم و عرض کردم خبرنگار هستم و کجا کار می کنم. چرا فکرمی کنید کسی که از حق اخلاقی یک نشر دفاع می کند لزوما نسبتی با آن ناشر دارد؟**

شما از کجا می دانستید افق خریداری کرده؟

🗨️ **افق هم خبر خریداری حق انتشار ترجمه فارسی را آذرمه سه سال گذشته به خبرگزاری ها داده بود. شما هم وقتی کتابی را برای ترجمه انتخاب می کنید لابد درباره اش به فارسی و انگلیسی جست وجو می کنید و باید می دیدید. آیا نباید از همکار خود حمایت کنید؟**

خود افق بارها این کار را کرده.

🗨️ **اگر این کار را کرده، خب کار افق هم اشتباه بوده. شما هم باید اشتباه را تکرار کنید؟**

حالا این را نمی دانم... نه! از نظر اخلاقی شاید درست نباشد، اما وقتی ترجمه کتابی اینجا چاپ می شود و همه ناشرها دوباره آن را چاپ می کنند، باید از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بخواهید قانونی تدوین کند.

🗨️ **آن که به جای خود، کاش این قانون بالاخره این جا اجرا شده و این مباحث متفی شود، اما مساله ما فعلا این است که وقتی ناشری با وجود این خلأ، خودش قانونی را که می تواند رعایت نکند، رعایت می کند چرا بی مهری همکارانش مواجه می شود؟**

ما هم کتابی منتشر کرده ایم که دیگران دوباره منتشرش کرده اند.

🗨️ **شما برای کتابی که می فرمایید، حق انتشار ترجمه فارسی پرداخت کرده بودید؟**

نه...

🗨️ **خب این مساله ما نیست؛ هر چند همین هم درناک است، اما عجالتا درناک تر این است که ناشرانی چون شما دست روی ترجمه کتاب هایی می گذارند که حق ترجمه اش به ناشر اصلی پرداخت شده، بنابراین من فکرمی کنم شما سعی می کنید متوجه عارض بنده نشوید!**

شما این چالش را با من نباید داشته باشید. اصل مطلب چیز دیگری است.

🗨️ **قانون به کنار، بحث اخلاق حرفه ای هم هست؟**

اگر قانون کپی رایت اینجا اجرا شود، شما دیگر حتی نمی توانید عکسی را که با دوستان گرفته اید جایی منتشر کنید. من فکر کردم تماس گرفته اید راهنمایی تان کنم تا این کتاب ما را تبلیغ کنید!

🗨️ **معلوم است این کار را نمی کنم. معرفی کتاب شما به مخاطب، غیر اخلاقی است. شما هم حق ناشری را که به کپی رایت قائل بوده، رعایت نکرده اید و هم کتابتان دچار موارد دیگری است.**

دچار چه مواردی است؟

🗨️ **کتاب شما بیش از صد صفحه از دیگر ترجمه ها کمتر است و مورد اعتماد نیست، از سوی دیگر کتاب اسم دارد. شما اسمش را روی جلد نیاروده اید تا القا کنید کتاب دیگری منتشر کرده اید و مخاطب را گول بزنید.**

کتاب ما اسم دارد. «داستان های تام هنکس.»

🗨️ **این که اسم کتاب نیست. اسم کتاب «داستان های ماشین تحریر» است.**

این اختیار من است.

🗨️ **کتاب اسم دارد. شما مختار نیستید اسم یک کتاب را حذف کنید.**

من نمی توانم با شما صحبت کنم. شما سوگیرانه حرف می زنید.



پاسخ وزیر فرهنگ و ارشاد به جام جم: جلسه برگزار می کنیم

گزارش صفحه ما را که خواندید حالا می توانید پاسخ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی را درباره چنین نقصان های قانونی و اخلاقی در صنعت نشر ایران بخوانید.

چند روز پیش با سیدعباس صالحی مفصل گفت وگو کردیم که سه شنبه گذشته مشروح آن را در صفحه ۱۲ خواندید.

در بخشی از این گفت وگو وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در رابطه با وضع حقوق معنوی در صنعت نشر که سال هاست مورد بحث و بررسی ناشران و فعالان حوزه کتاب است، با ما سخن گفت.

او به جام جم گفت: ما جلسات متعددی در حوزه نشر آثار و کتاب ها از جمله

حق و حساب تام هنکس در تهران

در حالی که یک ناشر حق انتشار ترجمه فارسی کتاب داستان های آقای بازیگر را خریده، چهارمین ترجمه از این کتاب هم به دست ناشری دیگر منتشر شد؛ هم با یکی از ناشرها گفت وگو کرده ایم هم با وزیر فرهنگ و ارشاد



چرا این کتاب اسم ندارد؟

ترجمه چهارم: انتشارات گل آذین

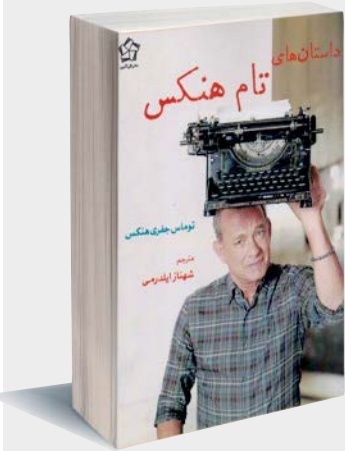
عنوان ترجمه: داستان های تام هنکس

مترجم: شهناز ایلدرمی

تاریخ انتشار: ۱۴ دی ۹۷

۳۴۰ صفحه / ۴۸ هزار تومان

پس از چند ماهی از این که دو انتشارات یویان و نون به زحمت انتشارات افق حمله بردند، به نظر می رسید ولع انتشار ترجمه ای دیگر از داستان های تام هنکس فروکش کرده است تا این که چند روز پیش خبر آمد ترجمه چهارم را انتشارات گل آذین روانه بازار کتاب کرده است. این ترجمه، چند مورد عجیب دارد. نخست این که کتاب اسم ندارد! خب بدیهی است که کتاب، کتاب داستان های تام هنکس است و «داستان های تام هنکس» نمی تواند اسم کتاب باشد. نکته عجیب بعدی، مربوط به تعداد صفحات کتاب است؛ حدود ۱۲۰ صفحه کمتر از دیگر ترجمه ها و البته با قیمتی حدود دوهزار تومان بیشتر از آنها.



این اسم را از کجا آوردید؟

ترجمه سوم: انتشارات نون

عنوان ترجمه: ماشین تحریر عجیب

مترجم: نیلوفر خوش زبان

تاریخ انتشار: ۲۳ اردیبهشت ۹۷

۴۱۶ صفحه / ۳۴ هزار تومان

سومین ترجمه هم با فاصله چند روز از انتشار نسخه انتشارات افق به بازار آمد. با طرح جلدی کاملاً مشابه نسخه اصلی اما با اسمی که کامل نیست.

عنوان اصلی کتاب Uncommon Type: Some Stories است و مقبول ترین ترجمه همان «داستان های ماشین تحریر» می تواند باشد اما هیچ معلوم نیست انتشارات نون بطور به عنوان «ماشین تحریر عجیب» رسیده است، شاید فقط از این رو که نام فرق داشته باشد با دو ترجمه پیشین. تعداد صفحات این ترجمه نیز از دو ترجمه قبلی کمتر است.

آیا این ترجمه بلایی سر متن اصلی آورده است؟



شکست خورده

ترجمه دوم: انتشارات افق

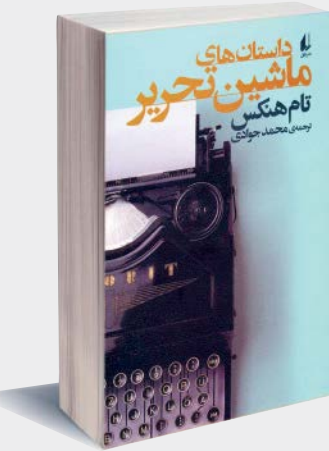
عنوان ترجمه: داستان های ماشین تحریر

مترجم: محمد جوادی

تاریخ انتشار: ۱۰ اردیبهشت ۹۷

۴۶۴ صفحه / چاپ دوم، ۴۰ هزار تومان

انتشارات افق بی تردید شکست خورده این ماراتن ناچوانمردانه بنگاه های اقتصادی در لوای نشر است. البته شکست خورده ای که لااقل در این ماجرا اخلاقی عمل کرده است. این ناشر حتی نتوانسته به عنوان اولین ناشر، ترجمه اش را منتشر کند. با همه این اوصاف، رعایت خودخواسته این انتشارات به قانون جهانی کپی رایت در طولانی مدت باعث می شود که اعتماد مخاطب فارسی زبان به کتاب هایش بیشتر شود و هیچ عجیب نیست که با وجود سه ترجمه دیگر از «داستان های ماشین تحریر» در بازار کتاب ایران، این ترجمه بیش از باقی بفروشد. چنان که تا حالا هم همین اتفاق افتاده است.



الان شما قهرمانید؟

ترجمه اول: انتشارات یویان

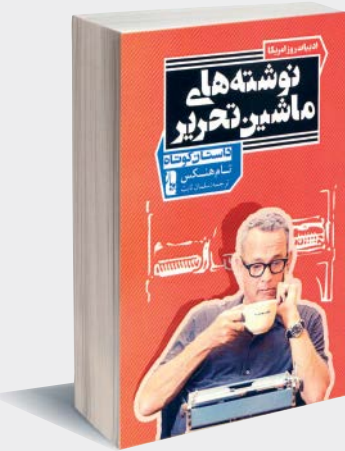
عنوان ترجمه: نوشته های ماشین تحریر

مترجم: سلمان ثابت

تاریخ انتشار: ۱۹ فروردین ۹۷

۴۵۴ صفحه / ۳۵ هزار تومان

هیچ اطلاعی از جزئیات این ترجمه فارسی در دست نیست. چیزی در رسانه ها درباره این ترجمه نوشته نشده است؛ حتی خبر انتشار کتاب را هم هیچ رسانه ای منتشر نکرده اما دست کم می شود از تاریخ قرار گرفتن کتاب در یکی از فروشگاه های اینترنتی متوجه شد که از همه جلو زده و در ۱۹ فروردین منتشر شده است. الان دوستان در دفتر انتشارات یویان فکر می کنند قهرمان این ماراتن هستند؟ راستش می توانستیم برای این که اطلاع بیشتری درباره این ترجمه کسب کنیم آن را از همین فروشگاه اینترنتی سفارش بدهیم برایمان بیاورند. اما این کار را نکردیم تا حق ناشری که حق انتشار ترجمه فارسی را خریده، پایمال نشود.



تام؛ بازیگری با عشق به صدای تق تقی

آنها که خبرهای مربوط به حضور تام هنکس در پروژه های مختلف سینمایی را دنبال می کنند که اتفاقاً تعدادشان در ایران هم کم نیست، یادشان هست که سه چهار

سال پیش او در پروسه تولید هر فیلمی در نیویورک، برلین، بوادپست یا آتلانتا که حاضر بود در وقت های فراغت با خودکار و دفترچه ای در گوشه ای دیده می شد که دارد چیزی می نویسد. چندی طول نکشید

که کنجکاو هایی بردند او در حال نوشتن داستان هایی است. می دانیم که تام هنکس علاقه ویژه ای به جمع آوری ماشین تحریر دارد و انواع آنها را از دهه های ۱۹۳۰، ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ آرشو کرده است. او از ماشین تحریر برای نوشتن های غیر ضروری روزانه از جمله درست کردن فهرست کارهایی که باید انجام شوند استفاده می کند. به گفته خود این بازیگر،

کمک کرد که تجربه نوشتن با ماشین تحریر را روی دستگاه دیجیتال بازسازی می کند. این نرم افزار «هنکس رایتر» نام دارد و با افکت های صوتی کامل ماشین تحریر یعنی «داستان های ماشین تحریر» خوب می فروشد و مورد توجه قرار گرفته است. تام هنکس ابتدای کتاب و پیش از شروع داستان ها، این اثر را به «ریتا (همسرش) و همه بچه ها» تقدیم کرده و نوشته است: به خاطر نور

